

تاریخ و تمدن اسلامی، سال یازدهم، شماره بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۲۱-۱۵۱

ناسازواری عناوین مناصب ینی چریان با وظایف آنان^۱

منیره کاظمی راشد^۲

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، رشته تاریخ، تهران، ایران

رضا شعبانی^۳

استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، گروه تاریخ و باستان‌شناسی، تهران، ایران

چکیده

ینی چریان مهم‌ترین بخش ارتش پیاده‌نظام عثمانی بودند که در توسعه قلمرو این حکومت و تثبیت آن نقش برجسته‌ای داشتند. با وجود جایگاه و کارکرد نظامی آنان، نام‌های مناصب این دسته، کمتر نشانی از نظامی‌گری دارد. برخی از عناوین مناصب ینی چریان را، اسامی مشاغل مربوط به مطبخ تشکیل می‌داد، در حالی که وظایف صاحبان این عناوین، ارتباطی با وظایف مشاغل آشپزخانه‌ای نداشت. بخش دیگری از این مناصب، عناوین مربوط به شکار و گروه پرورش سگ‌های شکاری بود که بیانگر شغل آنان در دوره‌های نخستین عثمانی بود که به مرور زمان، وظایف پیشین آنان متروک شده و جز عنوان، نشانی از شکارگری نداشتند. برخی دیگر از نام‌های مقامات ینی چری، نیز ریشه در زبان‌های عربی و فارسی داشت که در قلمرو ترکان به لحاظ لفظ و معنا چندان تغییر کرد که میان این دست نام‌ها و وظایف دارندگان آن مناصب نمی‌توان ارتباطی یافت.

کلیدواژه‌ها: تشکیلات نظامی عثمانی، ینی چریان، سگبانان.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۶

۲. رایانامه: kazemirashed@yahoo.com

۳. رایانامه (مسئول مکاتبات): r.shabani@srbiau.ac.ir

مقدمه

با استقرار حکومت عثمانی در همسایگی پایتخت امپراتوری روم شرقی و تبدیل شدن آن از امیرنشینی مرزی به حکومتی توسعه طلب، دیگر نیروهای عشیره‌ای و جهادی نامنظم پاسخگوی نیازهای این حکومت نبودند. در این میان، به‌کارگیری قانون پنجگ^۴ که خمس غنائم (شامل اسرا) را در اختیار سلطان قرار می‌داد و نیز رواج قانون دوشیرمه^۵ (گردآوری کودکان مسیحی و آموزش آنان برای جذب در تشکیلات درباری و نظامی)، عامل دیگری بود که عثمانیان را به ایجاد سپاهی منظم و دائمی ترغیب می‌کرد. دسته برآمده از این دوقانون (به‌ویژه قانون دوشیرمه)، قاپی‌قولوها بودند که بردارنده چهار بخش سواره‌نظام، شامل «سلحداران»،^۶ «سپاه»،^۷ «علوفه‌چیان»^۸ و «غربا»^۹ و شش بخش پیاده‌نظام، شامل «عجمی‌اوغلانلر»،^{۱۰} «ینی‌چریان»،^{۱۱} «جبه‌جیان»،^{۱۲} «توپ‌چیان»،^{۱۳} «توپ‌آرابه‌جی‌ها»^{۱۴} و

۴. بنابر این قاعده، یک‌پنجم اسرایی که از طریق جنگ، به دست عثمانیان می‌افتادند، به عنوان «خمس» غنائم، در اختیار سلطان قرار می‌گرفتند و پس از آموزش‌های مختلف به خدمات نظامی مشغول می‌شدند. هر یک از افرادی که از این طریق گردآوری می‌شدند، «پنچیک اوغلانی» نام داشت که غالباً توسط آق‌ینجی‌ها (سواره‌نظام متقدم عثمانی) اسیر می‌شدند. در دوره‌های اولیه عثمانی، برای گردآوری غلامان، به سن آنان توجهی نمی‌شد، اما بعدها پنچیک‌اوغلان‌ها بر اساس سن و سال به شش دسته «شیرخوار»، «بچه»، «غلامچه»، «غلام»، «ساقالی» و «پیر» تقسیم می‌شدند (موسوی و بابایی، ۹۱).

۵. بر اساس این قانون، هر سه تا پنج سال یک بار، از میان کودکان هفت یا هشت ساله مسیحیان (گاهی بیست ساله) تعدادی گزینش می‌شدند که به مدت هفت سال در اوجاقِ عجمی خدمت می‌کردند و احکام دینی، زبان ترکی و استفاده از سلاح به آنان آموزش داده می‌شد. دسته‌های کودکانی که از طریق دوشیرمه گردآوری شده بودند، «سورو» (به معنی گله) نامیده می‌شدند و افرادی به نام «سوریجی/سوروجو» مأمور ثبت مشخصات، مراقبت و انتقال آنان بودند. این کودکان که «عجمی‌اوغلانی/عجمی‌اوغلان» نام گرفته بودند، پس از آموزش‌های متعدد، در دربار و یا صنوف نظامی به‌کار گرفته می‌شدند (همو، ۶۱-۶۲).

6. Silahdar
7. Sipah
8. Ulufeciyan
9. Gureba
10. Acemioğlan/ Acemioğlanı

«خمبره جیان»^{۱۵} بودند. بی تردید، مهم‌ترین بخش قاپی‌قولوها، از حیث اقتدار و شمار، ینی چریان بودند. ینی چری یا سپاه نو، جنگاوران پیاده‌نظامی بودند که در اوایل حکومت عثمانی پدید آمدند. تشکیلات ینی چریان که اوجاق خوانده می‌شد، از سه بخش اصلی «یایابکلر» («جماعت») / «یایاباشی» / «سرپیادگان» دربردارنده شصت و پنج اورته،^{۱۶} «سگبان» دربردارنده سی و چهار اورته و «آغابلوکلر» (بلوکباشی / بلوکلی) دربردارنده شصت و یک اورته تشکیل می‌شد.^{۱۷}

ینی چریان به سبب این‌که بنیان‌گذاری خود را به حاجی بکتاش ولی نسبت می‌دادند، متعصبانه پیرو آداب بکتاشیه بودند و حتی فرماندهان خود را «آغایان بکتاشیان» می‌خواندند.^{۱۸} فرمانده ینی چریان «آغا» و یا «ینی چری آغاسی» نام داشت که به سبب فرماندهی کل اوجاق ینی چریان، «اوجاق آغاسی» نیز خوانده می‌شد. تا قرن دهم هجری، این منصب از میان ینی چریان انتخاب می‌شد، اما از این سده به بعد، به دلیل بروز شورش‌های گسترده ینی چریان، درباریان عهده‌دار این مقام شدند.^{۱۹} ینی چری آغاسی وظایف متعددی بر عهده داشت، از جمله: فرماندهی ینی چریان، رسیدگی به نظم و انضباط استانبول، انتظام نیروهای قلاع و استحکامات، بازدید از کوچه‌ها و اصناف، تنبیه متخلفان و

11. Yeniçeri
12. Cebeciyan/ Cebeciler
13. Topçular
14. Top arabacılar
15. Humbaracılar/ Kumbaracılar

۱۶. اورته، برگرفته از لفظ اردو، دسته یا واحدی نظامی از اوجاق ینی چریان بود و گاهی به جای اورته از «بلوک» نیز استفاده می‌شد (pakalın, 2/ 730).

۱۷. شوکت، ۳ / ۱؛

Hezarfen, 146.

۱۸. جواد پاشا، ۸ / ۱؛

Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 147- 150.

۱۹. جواد پاشا، ۲۲۸ / ۱.

Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 177; pakalın, 2/ 711

مجرمان.^{۲۰} برای انجام بهتر امور، مناصب متعددی نظیر «قول‌کتخداسی» که «اوجاق کتخداسی» و «کتخدا بک» نیز نامیده و معاونِ ینی‌چری‌آغاسی محسوب می‌شد، ایجاد و به‌کار گرفته شده بود.^{۲۱} از دیگر یاری‌رسانان ینی‌چری‌آغاسی می‌توان به «سگبان‌باشی» فرمانده بخش سگبانان ینی‌چری، «زغرچی‌باشی» فرمانده اورته شصت و چهارم، «صکسونجی‌باشی/صامسونجی‌باشی» فرمانده اورته هفتاد و یکم، «طورنه‌جی‌باشی» فرمانده اورته شصت و هشتم، «خاصکیان» فرماندهان اورته‌های چهاردهم، چهل و نهم، شصت و ششم و شصت و هفتم، «محضرآغا» فرمانده اوطه^{۲۲}‌های نامعین، «کتخدایری» جانشین قول‌کتخداسی، «باش بلوکباشی» پرسابقه‌ترین افراد آغابلوک و «ینی‌چری‌افندیسی» مسؤول امور مالی ینی‌چریان اشاره کرد.^{۲۳}

در میان مناصب ینی‌چریان، نام‌های متعددی به چشم می‌خورد که به نظر می‌رسد با ماهیت نظامیان تناسب ندارند. همین عدم تناسب اسامی و عناوین با فعالیت‌های نظامی، باعث گمراهی در فهم این قبیل از اصطلاحات شده است؛ به طوری که صرفاً با نگاهی به اسامی مناصب نمی‌توان به وظایف آنان پی‌برد و به دیگر سخن، بسیاری از اسامی مناصب، مقامات و اصطلاحات ینی‌چریان هرگز نماینده وظایف و اختیارات آنان نیستند. در پیدایش این پیچیدگی و ابهام عوامل متعددی دخیل بوده است، مانند نام‌گذاری آشپزخانه‌ای براساس داستان‌های اسطوره‌ای دوره تأسیس ینی‌چریان، ورود گروه‌های غیرنظامی از دربار به بخش‌های نظامی آنان و برداشت اشتباه از نام‌های غیر ترکی رواج‌یافته در میان عثمانیان.

۲۰. شوکت، ۴۹/۱ - ۵۰؛ جواد پاشا، ۱۷/۱ - ۱۹؛

Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 187, 188.

۲۱. شوکت، ۵۵/۱ - ۵۶؛ جواد پاشا، ۲۱/۱؛

Pakalın, 2/ 317.

۲۲. به معنی اتاق، بخش‌های کوچکتر اورته.

۲۳. جواد پاشا، ۱۷/۱؛

Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 174.

۱. اسامی آشپزخانه‌ای یینی چریان

عثمانیان بسیاری از فتوح خود را مدیون نظامی‌گری یینی چریان بودند و همسایگان عثمانیان ارتش عثمانی را برابر با یینی چریان می‌دانستند؛ با وجود این، با مشاهده نام‌های مناصب و اصطلاحات مرتبط با آنها، رنگ و بوی جنگاوری یینی چریان چندان ملموس به نظر نمی‌رسد و گویی با ماهیت نظامی آنان هماهنگی ندارد. بخشی از این نام‌ها مناسب آشپزخانه‌ها هستند، به طوری که در نگاهی گذرا چنین پنداشته می‌شود که یینی چریان، گروهی برآمده از مطبخ سلطان بوده‌اند؛ مثلاً تشکیلات یینی چریان را «اوجاق» و سرکردگان آن را «اوجاق‌آغالی» (=آغایان اوجاق) می‌خواندند. آغاز رواج واژه اوجاق و سایر اصطلاحات مطبخی در میان یینی چریان و تبدیل شدن آنها به اصطلاحاتی مرسوم، به دوره تأسیس یینی چریان و این داستان اسطوره‌ای بازمی‌گردد که حاجی بکتاش ولی، نخستین بار بر یک «اوجاق» و در «قزان» برای یینی چریان «چوربا» ساخت.^{۲۴} واژه اوجاق، به مرور زمان، معنای نخستین خود را از دست داد و به دسته و گروهی اطلاق شد که در مکانی واحد مستقر می‌بودند و از این رو، مفهوم آن با بنیاد، شکل و کانون برابر شد.^{۲۵} دیگر نام رایج و مرتبط با مطبخ در میان یینی چریان، «قزان» (=دیگ) بود. قزان‌ها برای یینی چریان مقدس بودند، چنان‌که مذاکره و مشورت در باب امور مختلف یینی چریان، بر گرد قزان انجام می‌شد. هم‌چنین، یینی چریان هنگام شورش برای اعلام نارضایتی خود، قزان‌ها را به میدان می‌آوردند و تا برآورده شدن خواسته‌هایشان، اوجاق را روشن نمی‌کردند.^{۲۶} علاوه بر این قزان، دیگ دیگری برای همه یینی چریان وجود داشت که «قزان شریف» نام گرفته و به منزله پرچم و سنجق آنان بود.^{۲۷} گویا در قزان شریف برای نخستین بار حاجی بکتاش ولی برای

24. Koçu, 86.

۲۵. حضرتی و بابایی، ۱۰۱.

26. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 236; Koçu, *Ibid*.

۲۷. شوکت، ۵۵/۱.

ینی چریان، شوربا/چوربا پخته بود؛ از این رو چنان تقدسی بدان داده بودند که بر آن سوگند یاد می‌کردند.^{۲۸} بر اساس داستان مذکور، نام‌های آشپزخانه‌ای در میان ینی چریان حرمت خاصی یافت. از جمله این نام‌ها، نام‌های مناصب و مقاماتی بود که هم‌نام با مشاغل مطبخ بودند.

با توجه به این‌که یکی از مهم‌ترین نیازهای ینی چریان تأمین غذا بود، در هر یک از اورته‌ها، یک «آشچی»^{۲۹} حضور داشت که به‌همراه چند زیردست، مسؤول تهیه طعام اورته بود. آشچی که اوسته/ اوستا، آشچی اوسته و آشچی باشی نیز خوانده می‌شد، از مسؤولان فرودست ینی چریان بود.^{۳۰} هزارفن در قرن یازدهم هجری، آشچی را به‌صورت «ینی چری آشچی سی» و مجزا از سایر آشچیان آورده است.^{۳۱} پاکالین نیز آشچی باشی را ذیل «ضابطان ینی چریان» و از مقامات نظامی شمرده است.^{۳۲} وظیفه مهم آشچی، زندانبانی و حبس کردن مجرمان ینی چری و اجرای مجازات (تیموربند کردن) آنان بود. سبب واگذاری چنین وظیفه‌ای این بود که مطبخ اورته‌ها، «حبسخانه» نیز محسوب می‌شد.^{۳۳} با این اوصاف، نمی‌توان آشچی را صرفاً آشپز دانست.

عنوان مشابه آشچی «چورباجی»^{۳۴} است که اساساً هیچ ارتباطی میان نام و وظایف آن نمی‌توان یافت. چوربا/چوربه نوعی غذای آبکی شبیه سوپ بود که انواع مختلفی مانند چوربای برنج، اشکنبه، ترخانه و چوربای لیمو و تخم‌مرغ داشت.^{۳۵} چوربا همانند قزان که

28. Koçu, Ibid.

29. Aşçı

۳۰. جوادپاشا، ۲۶/۱؛ شوکت، ۵۵/۱.

31. Hezarfen, 160.

32. Pakalın, 3/ 553.

۳۳. جوادپاشا، همانجا؛

Hezarfen, 153.

34. Çorbacı

۳۵. سامی، ۵۱۹/۱.

تقدس خاصی داشت. برای ینی چریان جایگاهی فراتر از یک غذا یافته و به یکی از نمادهای آنان بدل شده بود. به مرور زمان، چورباخوری به عادت و سنت ینی چریان بدل شد و در روزهای تشکیل دیوان همایون، به آنان چوربا داده می‌شد. از آنجا که غذای دیوانی ینی چریان، چوربا بود و نخوردن آن، نشان اعتراض و نارضایتی ینی چریان از تصمیمات دیوان همایون بود،^{۳۶} احتمالاً عنوان چورباچی در میان آنان به همین سبب رواج یافته بوده است.^{۳۷}

لفظ چورباچی سبب شده است که افراد بسیاری، چورباچی را عنوانی خاص مطبخ و به معنای چورباپز و مسؤول پخت‌وپز ینی چریان قلمداد کنند؛^{۳۸} این در حالی است که چورباچی عنوانی خاص مطبخ نبود و لقبی عام برای همه سرکردگان ینی چری محسوب می‌شد. گزارش‌های منابع، حکایت از این دارد که چورباچی عنوانی عام برای فرماندهان ینی چری بوده است و می‌توان آن را مترادف با فرمانده و سرکرده دانست.^{۳۹} این عنوان کاملاً نظامی، به سرکرده سی‌ویک بلوک از اوجاق‌عجمیان و بلوک‌های پیاده اردوی عثمانی (ینی چریان) اطلاق می‌شد که البته می‌توانست سواره نیز باشد.^{۴۰} در برخی مآخذ، عنوان چورباچی فقط برای سرکردگان بخشی از ینی چریان، نظیر «سرپیادگان» یا یایاباشیها و گاه برای دو بخش یایاباشی و آغابلوک‌ها تخصیص داده شده است،^{۴۱} که این تخصیص نیز نادرست است؛ زیرا در همه اورته‌های ینی چریان و اوطه‌های زیرمجموعه آن، سرکردگانی

۳۶. سلانیکلی، ۲۷۵؛

Uzunçarşılı, *Merkez ve Bahriye*, 28.
37. Koçu, *Ibid*.

۳۸. نک: شوکت، ۵۴/۱ - ۵۵؛

Pakalın, 1/ 380.

۳۹. نک: جوادپاشا، ۲۳/۱؛

Hezarfen, 144, 146, 147, 149, 154; Karaçelebizade, 37.

40. Pakalın, 1/ 380.

41. Hezarfen, 146- 147; Pakalın, 1/ *Ibid*; Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 234.

حضور داشتند که به طور کلی، چورباجی خوانده می‌شدند.^{۴۲} به مرور زمان، مفهوم چورباجی، دیگر به همه فرماندهان اطلاق نمی‌شد؛ بلکه مقاماتی نظیر ینی چری آغاسی، سگبان باشی، قول کتخداسی، زغرچی باشی، صکسونجی باشی، طورنه جی باشی و باش-چاوش، خود را در زمره «آغایان» و فراتر از چورباجیان می‌دانستند.^{۴۳} در نتیجه، در دوره-های متأخر فعالیت ینی چریان، چورباجی به فرماندهانی فرودست اطلاق می‌شد که هم‌رتبه با یوزباشیان بودند^{۴۴} و گاهی سوباشی (از فرماندهان دون پایه) خوانده می‌شدند.^{۴۵} علاوه بر این عنوان عام، عنوان دیگری به نام «چورباجی یاماغی» وجود داشت که به زبردستان چورباجی داده می‌شد و نیروی مددکار فرمانده محسوب می‌شدند.^{۴۶} در اواخر دوره حیات ینی چریان، عنوانی به نام «چورباجی آغا» و یا «ینی چری چورباجیسی» به چشم می‌خورد که وظیفه محافظت از سفرا و ایلچیان را بر عهده داشت.^{۴۷} عنوان عام چورباجی سال ۱۲۴۱ق با الغای ینی چریان به «اورته آغاسی» تغییر یافت.^{۴۸} با توجه به آنچه آمد، وظایف چورباجی ارتباطی با مطبخ نداشت و مراد از آن، به شکل عام، همه فرماندهان ینی چری و به شکل خاص، فرماندهان دون پایه آنان بود.

۴۲. نوری پاشا، ۱/ ۱۴۲؛

42. Özcan, "Çorbacı", *DİA*, 8/ 370.

43. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 234- 235; Koçu, 69.

۴۴. شوکت، ۱/ ۵۴؛ جوادپاشا، ۱/ ۲۵.

45. Pakalın, 1/ Ibid.

46. Özcan, "Çorbacı", *DİA*, 8/ Ibid; Pakalın, 1/ Ibid.

47. Medhi, 121; Uzunçarşılı, *Merkez ve Bahriye*, 302.

48. Pakalın, 1/ Ibid.

۲. نام‌های گروه‌های درباری راه‌یافته به اوجاق ینی چری

این نام‌ها بر گروه سگبانان^۹ متمرکز است. سگبان همان گونه که از نام آن پیداست، با امور سگ‌ها و پرورش این حیوانات مرتبط بوده است. این اورته، نام خود را بیش از هر چیز از سه بخش زغرجیان، صکسونجیان/صامسونجیان و طورنه‌جیان گرفته است.

۱.۲. زغرجیان^{۱۰}

زغر^{۱۱} (زغار/ زاغر/ زاغار) به سگ‌های شکاری گفته می‌شد.^{۱۲} افرادی که مسؤول نگهداری از زغرها بودند، زغرچی خوانده می‌شدند. اینان به دو دسته پیاده و سواره تقسیم می‌شدند که در موعد شکار، بخش سواره کار انتقال سگ‌های شکاری را برعهده داشتند و زغرجیان پیاده، دگنگ (چماق) در دست، دسته شکارچیان را همراهی می‌کردند.^{۱۳} در دوره محمد فاتح، سگبانان که دسته‌ای درباری بودند، برای مهار شورش‌های ینی چریان، بدان اوجاق افزوده شدند؛ با وجود این الحاق، وظیفه شکار در کنار وظایف نظامی آنها تا مدت‌ها ادامه داشت.^{۱۴} در اوایل دوره الحاق سگبانان، زغرجیان که زیرمجموعه‌ای از آنان بودند، بدون اورته و دسته مشخصی، زیر نظر سگبان‌باشی قرار داشتند، اما در همین دوره (دوره محمد

۴۹. در مقاله "تحولات سگبانی در دیوانسالاری عثمانی" نوشته حسن حضرتی و طاهر بابایی، به طور کلی به سگبانی و روند دگرگونی وظایف آنان از درباری به نظامی پرداخته شده است؛ با وجود این، در این مقاله به سبب بررسی چگونگی تحول یک گروه شکاری به دسته‌ای کاملاً نظامی، همه زیرمجموعه‌های اورته سگبانان، سگبان خوانده شده‌اند. اگرچه اطلاق چنین عنوانی هرگز نادرست نیست، اما برای پرداختن به موضوع مقاله حاضر، بررسی جزئیات مناصب و مقامات زیرمجموعه سگبانان الزامی می‌نماید (برای اطلاع بیشتر درباره سگبانی و سگبانان، نک: حضرتی و بابایی، ۹۷-۱۱۱).

50. Zağarcılar

51. Zağar

۵۲. سامی، ۱/ ۶۸۵؛ وفیق بک، ۱/ ۲۲۱؛ رفعت، ۱۲۲.

53. Özcan, "Zağarcıbaşı", *DİA*, 44/ 75; Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 199, 200.

۵۴. نک: حضرتی و بابایی، همانجا.

فاتح)، به سبب نیاز به تعقیب شکار محمد فاتح، پرورش زغرها را الزامی دید؛ از این رو چورباچی شصت و چهارمین اورته از جماعت را با ۲۴ آقچه مقرر، به عنوان زغرچی باشی گمارد.^{۵۵} این اورته ینی چریان که پیش از سایر بخش‌ها (نظیر خاصکیان، طورنه جیان و صکسونجیان) بنیان نهاده شد،^{۵۶} به مرور زمان، گسترش چشم‌گیری یافت و به یکی از مهم‌ترین اورته‌های ینی چریان بدل شد.^{۵۷} هزارفن تعداد آنان را در سده یازدهم چهار یا پنج هزار نفر برآورد کرده است.^{۵۸} این اورته در دو دسته سواره و پیاده خدمت می‌کرد و کماکان نقش درباری‌اش، در کنار وظایف نظامی به چشم می‌خورد.^{۵۹} فرماندهی این اورته، بر عهده زغرچی باشی / زاغارجی باشی^{۶۰} بود که سرزغری نیز خوانده می‌شد.^{۶۱} او از اعضای «آغادیوانی» (دیوانی به ریاست آغای ینی چریان برای حل و فصل امور اوجاق) و جزو آغایان قطار به شمار می‌رفت.^{۶۲} با این‌که مقرر زغرجیان نسبت به بسیاری از بخش‌های اوجاق کمتر بود،^{۶۳} اما زغرچی باشی، هم‌طراز با سایر مقامات بلندرتبه از اصحاب تیمار و زعامت به‌شمار می‌رفت.^{۶۴}

55. Güven & Hergüner, 42; Göksel, 41.

56. Güven & Hergüner, Ibid.

57. Özcan, "Zağarcıbaşı", *DİA*, Ibid.

58. Hezarfen, 147.

Özcan, "Zağarcıbaşı", *DİA*,) ۵۰۰ نفر آورده شده است (Ibid).

59. Pakalın, 3/ 645; Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 199.

۶۰ و فقی‌بک، ۲۲۱/۱.

61. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, ibid.

۶۲ جواد، ۲۱/۱؛ نوری‌پاشا، ۱/۱۴۲، آغایان قطار شامل ینی چری آغاسی، سگبان باشی، قول‌کنخداسی، زغرچی باشی، صکسونجی باشی، طورنه‌جی باشی، محضرآغا، باش‌چاوش. اینان جزو فرماندهان بالارته بودند و خود را چورباچی نمی‌خواندند.

63. Hezarfen, 247.

64. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 201.

مطابق قانون زغرجیان در دیوانسالاری عثمانی،^{۶۵} زغرجی‌باشی در صورت ترفیع به مقام قول‌کتخداسی یا کتخدابکی می‌رسید، وی غالباً از مقام صکسونجی‌باشی به این مقام ارتقا می‌یافت.^{۶۶} وی در صورت نشان‌دادن لیاقت در جنگ به مناصب بالادست نیز راه می‌یافت؛ برای نمونه در سال ۱۱۳۸ هـ در نبرد وان و تبریز، یک زغرجی‌باشی با پایه بیگلربیگی به اینه‌بختی^{۶۷} گمارده شد.^{۶۸}

در سده دهم هجری، با توجه به این‌که وظایف شکار به بخش بوستانجیان منتقل و جزو مشاغل بوستانجی‌باشی و آغایان شکار شمرده شد، فقط نام شکارگری زغرجیان به جا ماند و اینان بر وظایف نظامی خود متمرکز شدند؛ با وجود این، زغرجیان در مراسم درباری، به رسم دوره متقدم و صرفاً به شکل تشریفاتی، با زغرهای خود حضور می‌یافتند.^{۶۹} از این زمان به بعد، اگرچه وظایفی نظیر محافظت از قلاع و گردآوری کودکان (مأمور دوشیرمه) برای آن طرح شد،^{۷۰} اما وظیفه حضور در میدان نبرد، بسیار جدی بود. برای تأیید وظایف کاملاً نظامی زغرجیان گزارش‌های متعددی در دست است، از جمله در سال ۱۰۳۲ هـ، در دوره مراد چهارم در حمله به بغداد،^{۷۱} در سال ۱۰۸۳ هـ در حمله به لهستان و قمانیچه (قلعه و شهری در اوکراین)،^{۷۲} در سال ۱۰۹۰ هـ در محاصره قلعه وارات،^{۷۳} در سال ۱۱۲۷ هـ در نبرد

۶۵. مراتب آغابان به ترتیب ینی چری‌آغاسی، سگبان‌باشی، قول‌کتخداسی، زغرجی‌باشی، صکسونجی‌باشی، طورنه-جی‌باشی، باش‌چاوش، محضرآغا (Halaçoğlu, 42).

۶۶. سلانیک، ۲۷۵؛

Hezarfen, 147; Silahdar Fındıklılı, 217, 328;

۶۷. لپانتو، بندری یونانی در خلیج کورینت.

68. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 201.

69. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 200; Pakalın, 3/ 645; Güven & Hergüner, *Ibid.*

70. Özcan, "Zağarcıbaşı", *DİA*, 44/ 76.

71. Karaçelebizade, 37.

72. İszade, 122, 124.

73. *Idem*, 62.

موره (جزیره‌ای در جنوب یونان)،^{۷۴} در سال ۱۱۲۸ هـ در جنگ وارادین (اتریش)^{۷۵} و در سال ۱۱۲۹ ق در حمله به انکروس (مجارستان).^{۷۶} در اسناد به جای مانده نیز از حضور زغرچیان در نبردها به‌کرات یاد شده است.^{۷۷} هم‌چنین زغرچیان علاوه بر نبردهای زمینی در جنگ‌های دریایی نیز حضور داشتند.^{۷۸} دسته زغرچیان هم‌زمان با ینی‌چریان برچیده شد.^{۷۹} با این اوصاف، نمی‌توان زغرچیان را صرفاً مسؤول پرورش زغر دانست؛ بلکه علاوه بر این، آنان از نیروهای کاملاً نظامی از دسته سگبانان ینی‌چری بودند که در اوایل دوره عثمانی در امور شکاری فعالیت داشتند.

۲.۲. صکسونجیان^{۸۰}

گروه دیگری که نامشان با ماهیت نظامی ارتش ینی‌چری تطابق ندارد، «صکسونجیان» بودند. نام این دسته، به اشتباه، به صورت‌های «صامسونجی» و «صانسونجی» نیز متداول شده است.^{۸۱} صکسون/ صامسون، سگ‌های تنومند، سریع و پرقدرتی بودند که در اوایل حکومت عثمانی برای شکار پرورش داده می‌شدند، اما با تحول وظایف شکارچیان به نظامی‌گری، این سگ‌ها هنگام لشگرکشی برای محافظت از اردو و در هنگام جنگ برای

74. Silahdar Fındıklılı, 328.

75. Idem, 349.

76. Idem, 364.

۷۷. برای نمونه فرمان ش ۵۹۴ به سال ۹۷۳ هـ در لشگرکشی مالطه، *5 numaralı mühimme defteri*, (104)؛ فرمان ش ۱۴۴۴ به سال ۹۷۵ هـ (1/ 132) *7 numaralı mühimme defteri*.

۷۸. در فتح قبرس (سلانیک، ۱۰۰)؛ در سال ۸۸۰ هـ در حمله به جنواییان در دریای سیاه (*İnalçık, Kuruluş*)، *Dönemi Osmanlı Sultanları*, 186.

79. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 200.

80. Saksoncular/ Samsoncular/ Sansoncular

۸۱. وفیق‌بک، ۱/ همانجا؛ وفیق‌پاشا، ۷۱۲/۲؛ سامی، ۸۲۹/۲؛

حمله به دشمن به کار گرفته می شدند.^{۸۲} مسؤولیت تربیت و انتقال این سگها برای شکار و یا جنگ بر عهده صکسونجیان بود. اینان نیز همانند سایر سگبانان در دوره محمد فاتح وارد اوجاق یینی چریان شدند و هفتادویکمین اورته آنان را تشکیل دادند.^{۸۳} در دوره الحاق به یینی چریان نیز تا مدتی پرورش سگهای مخصوص شکار خرس و سگهای مخصوص جنگ بر عهده آنان بود.^{۸۴}

در سال ۱۰۳۳ هـ شمار صکسونجیان سیصد و پنجاه نفر بود که در سال ۱۰۷۵ هـ به پانصدوسی و یک نفر افزایش یافت.^{۸۵} این شمار از سگبانان که فقط یکی از بخشهای این دسته را شامل می شد، خود نماینده گرایش نظامی آنان است؛ چه حضور این مایه از شکارچیان - در کنار دستههای پر شمار دیگر شکارگر، بیش از آن که به موبک شکار شباهت داشته باشد، به لشکرکشی می ماند. عنوان سردسته صکسونجیان، «صکسونجی باشی» / صامسونجی باشی / صامصونجی باشی / صکسونجی باشی بود که «سَرصکسونی» نیز خوانده می شد.^{۸۶} او پیشتر فرماندهی نظامی و شکاری را توأمان بر عهده داشت، اما از آنجا که در سده دهم هجری، وظیفه شکار بر عهده بوستانجیان و دیگر گروههای درباری نهاد شد و سلاطین عثمانی از هوس شکار فارغ شدند؛^{۸۷} آنان صرفاً در بخش نظامی به کار گرفته شدند و از وظایف شکارگاهی آنان، تنها نامی بر جا ماند.^{۸۸} به علاوه، در اسناد

۸۲. وفیق پاشا، همانجا؛ سامی، همانجا؛

Koçu, 74.

83. Hezarfen, 148; Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 202; Pakalın, 3/ Ibid.

84. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, ibid.

85. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 203.

۸۶. نعیم، ۳/ ۳۴۵؛

Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 202; Pakalın, 3/ Ibid.

۸۷. جوادپاشا، ۱/ ۲۲، ۲۵.

۸۸. همانجا؛

Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ Ibid.

تاریخی، صکسونجی باشی از مأموران دوشیرمه شمرده شده است.^{۸۹}

صکسونجی باشی که از اعضای دیوان آغا و از اصحاب تیمار و زعامت شمرده می‌شد، غالباً از مقام طورنه‌جی باشی به این مقام ارتقایی یافت و در صورت ترفیع، زغرجی باشی می‌شد.^{۹۰} وی در مواقعی نیز می‌توانست مستقیماً «کتخدا بک» یا «قول کتخداسی» شود.^{۹۱}

در منابع تاریخی، گزارش‌های متعددی از حضور جنگی صکسونجیان در دست است؛ برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: نبرد انکروس و بلگراد،^{۹۲} حمله عثمانی به بغداد در دوره مراد چهارم (سال ۱۰۳۲ هـ)،^{۹۳} همکاری با توپخانه در مقابله با حمله نمچه^{۹۴} (اتریش) و مجار،^{۹۵} در محاصره قلعه قاشه^{۹۶} در مجارستان در سال ۱۰۹۲ هـ،^{۹۷} لشکرکشی به موره در سال ۱۱۲۷ هـ^{۹۸} و جنگ وارادین در سال ۱۱۲۸ هـ.^{۹۹} این دسته نیز همانند سایر بخش‌های ینی‌چریان، همزمان با زوال آنان از میان برداشته شدند.^{۱۰۰} با توجه به آنچه آمد، صکسونجیان نیز تعریفی مشابه زغرجیان دارند. صکسونجیان، بخشی از نیروهای کاملاً نظامی سگبانان ینی‌چری بودند که در عصر متقدم عثمانی مسؤول تربیت سگ‌های تنومند و تندرو بودند.

۸۹. در فرمان ش ۲۴۲ (114) *5 numaralı mühimme defteri*.

۹۰. جوادپاشا، ۲۲/۱؛

Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 202- 203; see. Şemdanizade, 1/ 163- 164.

۹۱. فریدون بیگ، ۵۱۴/۱.

۹۲. فریدون بیگ، همانجا.

93. Karaçelebizade, 37.

94. Nemçe

95. İ sazade, 76.

96. Kaşa

97. Idem, 176.

98. Silahdar Fındıklılı, 328.

99. Idem, 349.

100. Pakalın, 3/ 113.

۳.۲. طورنه‌جیان^{۱۰۱}

گروه دیگری از سگبانان بودند که علاوه بر این که نامشان با ماهیت نظامی بینی چریان انطباق نداشت، با کار سگبانی نیز ارتباطی نداشتند و طورنه‌جی خوانده می‌شدند. بنابر کتب لغت، طورنه یا طورنا نوعی پرنده شبیه لک‌لک بوده است.^{۱۰۲} با توجه به این که در بسیاری از نام‌های ترکی نو، حرف «د» جایگزین حرف «ط» در ترکی عثمانی شده است^{۱۰۳} و با تکیه بر کتب لغت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که طورنه/ طورنا همان دُرناست. به هر رو، عنوان طورنه‌جی سبب اشتباه در بیان وظایف این دسته شده است. وجود لفظ طورنه، سبب شده که طورنه‌جی مسؤل پرورش پرندگان شکاری یا نوعی از پرندگان قلمداد شود؛^{۱۰۴} در حالی که وظایف طورنه‌جیان و وجه تسمیه آنان، ارتباطی با پرورش هیچ نوع از پرندگان ندارد؛ بلکه وظیفه آنان در دوره متقدم عثمانی، تربیت سگ‌هایی بود که به شکار مرغان دریایی و طورنه‌ها می‌پرداختند.^{۱۰۵} نیز در وجه تسمیه دیگری، نام‌گذاری طورنه‌جیان را مرتبط با اجرای قانون دوشیرمه توسط آنان و تشبیه سورو (گله)های کودکان دوشیرمه به دسته‌های درنا دانسته‌اند^{۱۰۶} که البته نادرست می‌نماید. ایجاد این دسته، به دوره محمد فاتح باز می‌گردد و سبب تشکیل آن این بود که در موسم شکار و در حضور سلطان، طورنه‌ای گریخت و یکی از سگ‌های «خاصکیان» آن را گرفت. این رویداد به مذاق سلطان خوش آمد و شصت و هشتمین اورته بینی چریان را که از آن خاصکیان بود، با نام طورنه‌جی و زیر

101. Turnaciyān/ Turnacılar

۱۰۲. وفیق‌پاشا، ۷۸۲/۲؛ سامی، ۸۹۷/۲.

۱۰۳. برای مثال: طمر/ طیمور (آهن) = demir، طوغان (عقاب) = doğan، طاش (سنگ) = daş

۱۰۴. نک: وفیق‌پاشا، همانجا؛ سامی، همانجا؛ وفیق‌بک، ۲۲۳/۱.

Koçu, 74; Pakalın, 3/ 535.

105. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 203.

106. Koçu, 74.

فرمان طورنه‌جی باشی ایجاد کرد.^{۱۰۷} طورنه‌جی باشی که از حیث رتبه، پس از صکسونجی - باشی قرار داشت، از پایین‌رتبه‌ترین آغایان ینی‌چری بود.^{۱۰۸} او غالباً فرارته‌تر از خاصکی - باشی و فرورته‌تر از صکسونجی باشی بود و در صورت ترفیع، صکسونجی باشی می‌شد.^{۱۰۹} گاهی نیز افراد فرورته‌تر از وی به ترتیب «باش‌چاوش» و «مُحضر آغا» ذکر شده‌اند.^{۱۱۰} از اوایل سده یازدهم هجری، به وظیفه شکارگاهی طورنه‌جیان به طور کامل پایان داده شد و آنان دسته‌ای صرفاً نظامی تلقی شدند.^{۱۱۱} در سال ۱۰۳۳ هـ جمعیت آنان دویست و هشتاد نفر بود که در سال ۱۰۷۵ هـ به حدود چهارصد و هفتاد نفر افزایش یافت^{۱۱۲} که وجود چنین جمعیت چشم‌گیری، گواه دیگری بر نظامی‌بودن آنان است. از وظایف طورنه‌جیان می‌توان به محافظت از قلاع به‌عنوان نوبتچی،^{۱۱۳} حضور در نیروی دریایی،^{۱۱۴} فعالیت زیر نظر قاضی در اجرای حکم،^{۱۱۵} تأمین امنیت شهر^{۱۱۶} و همکاری در اجرای قانون دوشیرمه^{۱۱۷} اشاره کرد. با وجود انجام چنین وظایفی، وظیفه اصلی آنان حضور در میدان جنگ بود؛ برای نمونه، طورنه‌جیان در سال ۱۰۳۲ هـ در حمله به بغداد،^{۱۱۸} در سال ۱۱۲۷ هـ در حمله به

107. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 203- 204; Özcan, "Turnacıbaşı", *DİA*, 41/ 428.

108. Özcan, "Turnacıbaşı", *DİA*, 41/ Ibid.

109. Ibid; Şemdanizade, 1/ 163- 164; Silahdar Fındıklılı, 217.

110. Halaçoğlu, 42.

111. Özcan, "Turnacıbaşı", *DİA*, 41/ Ibid.

112. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 204.

۱۱۳ فرمان ش ۴۹۷ به سال ۹۶۷ هـ (7 numaralı mühimme defteri, 1/ 220).

114. Özcan, "Turnacıbaşı", *DİA*, 41/ Ibid.

115. Pakalın, 3/ 539;

در فرمان شماره ۷۹ به سال ۹۷۵ هـ طورنه‌جی باشی مخاطب فرمانی بود که در آن در قبال بازخواست سگبانانی که به مردم ستم می‌کردند، تذکر داده شده بود (7 numaralı mühimme defteri, 1/ 44).

116. Özcan, "Turnacıbaşı", *DİA*, 41/ Ibid

117. Pakalın, 3/ 535.

118. Karaçelebizade, 35.

موره^{۱۱۹} و در سال ۱۱۲۹هـ در حمله به انکروس^{۱۲۰} حضور نظامی پررنگی داشتند. با این وصف طوره‌جیان اساساً هیچ ارتباطی به بخش پرورش پرندگان شکاری نداشتند، بلکه گروهی کاملاً جنگاور از سگبانان ینی چری بودند که در عصر متقدم عثمانی به سگبانی اشتغال داشتند.

۳. برداشت اشتباه از اسامی غیر ترکی

برای شماری از نام‌های مناصب شناخته در میان ینی چریان، نمی‌توان وجه تسمیه قانع‌کننده‌ای یافت. این نام‌ها که برگرفته از زبان‌های فارسی و عربی بودند، هم از حیث مفهومی و هم از نظر ظاهری دچار تغییراتی شدند. تحولات مفهومی این نام‌ها چندان بوده که نمی‌توان ارتباطی میان نام‌های این مشاغل با وظایف و جایگاهشان یافت. در پیدایش چنین تحولاتی، کم‌اطلاعی ترکان را از معانی نام‌های وارد شده از زبان‌های غیر ترکی به تشکیلات حکومتداری می‌توان مؤثر دانست. اگرچه در تشکیلات نظامی می‌توان این بیگانگی را، به دلیل این‌که در طول تاریخ تا برآمدن عثمانیان، ترکان متمرکز بر امور جنگاوری بودند، توجیه کرد، اما دگرگونی نام‌های مناصب تشکیلات مالی و اداری عثمانی که سال‌ها در پیوند با زبان‌های فارسی و عربی بود، نیز کمتر از تشکیلات نظامی نبود. برای تبیین این نکته که بخشی از نابسامانی ارتباط اسامی مناصب با وظایف ینی چریان، از برداشت نادرست از معانی الفاظ این زبان‌ها نشأت می‌گیرد، به این مناصب پرداخته می‌شود.

119. Silahdar Fındıklılı, 328.

120. Idem, 364.

۱.۳. خاصکیان^{۱۲۱}

خاصکی / خَصْکِی برگرفته از واژه عربی «خاصّه» است که با ترکیب شدن با پسوند «گی» فارسی، به معنای هر چیز نفیس، دوست نزدیک و مصاحب، محرم و خادم مقرب و خادم خاصّه ملوک به کار رفته است.^{۱۲۲} این اصطلاح احتمالاً از طریق ممالیک که در میان آنها خاصکیه به معنای نزدیکترین غلام به سلطان مملوکی بود، به تشکیلات حکومت عثمانی راه یافته است.^{۱۲۳} در میان عثمانیان به افراد متعددی که در بخش های مختلفی ایفای وظیفه می کردند، خاصکی گفته می شد. گروهی از خاصکیان با نام «بوستانجی خاصکیلری» یا «خاصکی آغالر»، زیر نظر بوستانجی باشی بودند و هنگام عزیمت به جایی سلطان را همراهی می کردند.^{۱۲۴} گروهی دیگر از خاصکیان از همراهان سلطان در لشکرکشی بودند که «یول خاصکیسی» (خاصکی راه) نام داشتند.^{۱۲۵} هم چنین در دوره سلیمان قانونی دسته-ای از خاصکیان، ذیل عنوان «امین خاصکیسی» ایجاد شدند که زیر نظر «سلحدار آغا» فعالیت می کردند.^{۱۲۶} اما مهم ترین دسته خاصکیان - که خونکار خاصکیسی (خاصکی خداوندگار) نیز نامیده می شدند - زنان محبوب سلطان بودند و اگر پسری می زادند «خاصکی سلطان» خوانده می شدند.^{۱۲۷} به مرور زمان، احتمالاً به سبب تعدد عنوان خاصکی، اصطلاح «قادین» (بانو) و «باش قادین» (بانوی نخست) جایگزین عناوین پیشین شد.^{۱۲۸} دسته های خاصکی مذکور در کنار «قاپو خاصکیسی» (خاصکی درگاه و دروازه) که

121. Hasekiyan/ Hasekiler

۱۲۲. برهان، ۲ / ۷۰۰؛ وفیق پاشا، ۱ / ۵۳۴؛ وفیق بک، ۱ / ۲۱۸؛

Özcan, "Haseki", *DİA*, 16/ Ibid.

123. Özcan, "Haseki", *DİA*, 16/ Ibid

124. Özcan, "Haseki", *DİA*, 16/ Ibid; Pakalın, 1/ 753.

۱۲۵. وفیق بک، ۱ / همانجا.

۱۲۶. همو، ۱ / ۲۱۹.

127. Özcan, "Haseki", *DİA*, 16/ Ibid; Pakalın, 1/ 752.

128. Pakalın, 1/ 754.

از زیردستان سرکرده دربانان بود،^{۱۲۹} خاصکیان درباری را تشکیل می دادند. جز خاصکیان درباری، خاصکیان دیگری وجود داشتند که دارای ماهیتی نظامی بودند و از مقامات بینی چریان به شمار می رفتند.

خاصکیان بینی چری به عنوان یکی از بخش های سگبانان، در آغاز، وظایفی مشابه زغرچیان داشتند. اورته های اینان در دوره محمد فاتح ایجاد شد و متشکل از چهار اورته ۱۴، ۴۹، ۶۶ و ۶۷ بود.^{۱۳۰} سرکرده هر اورته، خاصکی نام داشت و سرکرده این چهار خاصکی، «باش خاصکی آغا» و یا «خونکار خاصکیسی» بود.^{۱۳۱} خاصکیان در دو بخش بزرگ (بیوک خاصکیلر) و کوچک (کوچک خاصکیلر) به ایفای وظایف خویش که تسهیل وظایف آغای بینی چریان و سگبان باشی بود، اشتغال داشتند.^{۱۳۲} از وظایف آنان می توان به همراهی با سلطان هنگام حرکت به سوی مسجد جامع (دو نفر در سوی راست و دو نفر در سوی چپ)، انتقال سگ های شکاری به شکارگاه (وظیفه موقتی) و حضور در گردآوری کودکان غیرمسلمان (دوشیرمه) اشاره کرد.^{۱۳۳} علاوه بر اینها وظیفه اصلی آنان این بود که در صورت وقوع مشکلی در ایالات، در ارتباط با اوجاق بینی چریان، یکی از خاصکیان به عنوان نماینده آغا در آن جا حضور می یافت.^{۱۳۴}

خاصکیان در سلسله مراتب اوجاق بینی چریان، پایین رتبه تر از طورنه جی باشی بودند و از مقام باش دوه جی (سردسته شتربانان) به این مقام ارتقا می یافتند.^{۱۳۵} این سرکردگان در

129. Medhi, 153.

130. Hezarfen, 147; Pakalın, 1/ Ibid.

131. Koçu, 74;

نیز نام «خاصکی باشی آغا» در دفتر تشریفات صدارت ضبط شده است (Medhi, Ibid).

۱۳۲. جوادپاشا، ۱/ ۲۲؛

Pakalın, 1/ Ibid.

133. Pakalın, 1/ Ibid; Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 204- 205; 5 numaralı mühimme defteri, 156.

۱۳۴. جوادپاشا، ۱/ همانجا؛ وفیق بک، ۱/ همانجا.

135. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 205.

صورت ترفیع می‌توانستند طوره‌جی‌باشی شوند.^{۱۳۶} گاه نیز این شکل ترفیع رعایت نمی‌شد و خاصکی به مقام صکسونجی‌باشی می‌رسید.^{۱۳۷} مصطفی نعیم در سده دوازدهم هجری، از خاصکی پنجم و هفتم سخن که می‌توانستند سنجاق‌بیگی شوند به میان آورده^{۱۳۸} گرچه تعلق این خاصکیان به دربار یا ینی‌چریان مشخص نیست.

با توجه به آنچه گفته شد، مشخص می‌شود که خاصکیان ینی‌چری علاوه بر این که مفهوم قرابت به سلطان و یا حتی آغا را نداشتند، در اوجاق‌ینی‌چریان نیز از مقامات متوسط‌المرتبه بودند و وظایف نه‌چندان مهمی را برعهده داشتند. در نتیجه آنان را نه می‌توان مقام درباری قلمداد کرد و نه می‌توان وجه تسمیه‌شان را ناشی از امتیاز قرابت به سلطان دانست.

۲.۳. ۲.۳.۳. مُحَضِر^{۱۳۹}

مُحَضِر برگرفته از ریشه عربی «حضر» به معنای احضار کننده یا فراخواننده است که در دوره عثمانی، در نهاد قضا، به افرادی اطلاق می‌شد که مسؤول جلب متهمان و آوردن آنان به محکمه بودند.^{۱۴۰} سردسته این محضران، مُحَضِر‌باشی بود که از مقامات «علمیه» بود و زیر نظر قاضی‌عسکر (قاضی‌القضاة عثمانی) فعالیت می‌کرد^{۱۴۱} اما آنچه مدّ نظر این پژوهش است، مُحَضِرانِ حاضر در اوجاق‌ینی‌چریان‌اند.

مُحَضِری هم‌زمان با آغابلوک‌ها در دوره سلیم اول ایجاد شد.^{۱۴۲} سردسته محضران ینی‌چری، «مُحَضِر‌آغا» نام داشت و از مقامات نظامی شمرده می‌شد. وی گرچه اورته

136. Hezarfen, 146; Koçu, Ibid.

137. Silahdar Fındıklılı, 328.

۱۳۸. نعیم، ۲۴۳/۴.

139. Muhzır

۱۴۰. وفیق‌پاشا، ۱۱۱۸/۲؛ سامی، ۱۳۰۲/۲.

141. Hezarfen, 202; Pakalın, 2/ 573.

142. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 208.

بیست و هفتم ینی چریان را در اختیار داشت، اما غالباً اداره اوطه‌های نامعین آغابلوک‌ها بر عهده او بود و اساساً اوطه مشخصی به وی تعلق نمی‌گرفت. به سبب تعدد اوطه‌های زیرفرمان او و تغییر مکرر اوطه‌ها، امکان تعیین اوطه وی ناممکن است.^{۱۴۳}

نشانه‌هایی از وظایف محضرباشی تشکیلات قضایی، در میان وظایف محضراغا نیز به چشم می‌خورد، اما این وظیفه که بازداشت مجرمان بود، فقط مربوط به ینی چریان می‌شد.^{۱۴۴} سبب این امر می‌تواند نزدیکی نام محضرباشی و محضراغا باشد که گاهی به جای یکدیگر به کار می‌رفت؛ اما این، وظیفه حاشیه‌ای محضران ینی چری بود؛ وظایف اصلی محضران و سرکردگان آنان، بر پیگیری امور مربوط به ینی چریان در دیوان همایون متمرکز بود و آنان رابطان ینی چریان با وزیر اعظم به‌شمار می‌رفتند. اموری مانند تحویل اسب یدک و سلاح به ینی چریان، ابلاغ اخبار نابسامانی‌های اوجاق به وزیر اعظم، رسیدگی به جریان انتقال اخبار اوجاق به دیوان همایون و وزیر اعظم و ابلاغ تصمیمات دیوان به ینی چریان، در حیطه وظایف سرگروه محضران بود.^{۱۴۵} مکتوبات سلطانی نیز از طریق محضراغا و با واسطه «بوستانجی‌باشی» به امرا و رؤسای لشکر ارسال می‌شد^{۱۴۶} و در بسیاری از موارد، محضران مخاطب فرمان‌های سلطان در ایالات بودند.^{۱۴۷}

با توجه به وظایفی که بدانها اشاره شد، می‌توان نتیجه گرفت که محضرباشی ینی چریان، برخلاف محضرباشی تشکیلات قضایی که مقامی بسیار فرودست بود، از مقامات برجسته،

143. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ Ibid; Pakalın, 2/ 572- 573.

۱۴۴. جوادپاشا، ۲۲/۱؛

144. Ahiskalı, "Muhzır", *DİA*, 31/ 86.

۱۴۵. جوادپاشا، همانجا؛

Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 209- 210; Idem, *merkez ve bahriye*, 32; Pakalın, 2/ 572- 573; 7 numaralı mühimme defteri, 1/ 167.

۱۴۶. نعیم، ۳۴۵/۶.

۱۴۷. برای نمونه: فرمان شماره ۱۱۱ (1/ 61) *7 numaralı mühimme defteri* و فرمان شماره ۶۶۰

(Idem, 1/ 296).

پرنفوذ و صاحب اقتدار به شمار می‌آمد.^{۱۴۸} او گرچه در میان آغایان ینی‌چری، از پایین‌رتبه‌ها محسوب می‌شد، اما در شمار آغایان قرار داشت و از چورباجیان به شمار نمی‌آمد. محضرآغا، می‌توانست در صورت ترفیع، مناصب متعددی نظیر صکسونجی‌باشی، طورنه‌جی‌باشی، یایاباشی، خاصکی و باش‌دوہ‌جی را عهده‌دار شود.^{۱۴۹} هزارفن او را در کنار کتخدابک (از مقامات عالی‌رتبه ینی‌چریان) و دارای پوشش مشابه او آورده است.^{۱۵۰} هم‌زمان با الغای ینی‌چریان، طُمروق‌آغایی جایگزین محضرآغا شد و نام محضر به قوَّاس (کماندار/ صاحبان قوس و کمان) تغییر یافت.^{۱۵۱}

با توجه به آنچه گفته شد، کار محضر در میان ینی‌چریان، ارتباطی با احضار کردن به شکل عام و احضار متهم به محکمه به شکل خاص نداشت است و می‌توان وی را رابط میان ینی‌چریان و دیوان همایون خواند.

۳.۳. مهتر^{۱۵۲}

یکی از نام‌ها و اصطلاحات رایج میان ینی‌چریان مهتر بود که شاخه اصلی آن به تشکیلات درباری ربط می‌یافت. مهتر در زبان فارسی به معنای بزرگ‌تر (مه+تر) است.^{۱۵۳} در تشکیلات عثمانی عناوینی نظیر «مهترانِ عَلم» / «مهترانِ عَلمِ خاصه» و «مهترانِ خیمه»^{۱۵۴}

148. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 210.

۱۴۹. نک:

Hezarfen, 146; Silahdar Fındıklılı, 232, 298; Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ Ibid.

150. Hezarfen, Ibid.

151. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 211; Ahiskalı, “Muhzır“, *DİA*, 31/ Ibid.

152. Mehter

۱۵۳. برهان، ۲۰۵۸ / ۴؛ برای مهتر معانی دیگری نظیر سرور، محتشم و خدمتکار اسب، آورده شده است (نک:

دهخدا، ذیل مهتر). در مآخذ ترکی -به اشتباه- مهتر را برگرفته از واژه‌های فارسی مه + تر به معنی ماه خیس آورده‌اند

(Koçu, 92).

154. Mehteran-ı hayme

«مهرانِ اتاق» / «چادر مهترلری»^{۱۵۵} بارها آورده شده که مسؤول برپایی و برچیدن خیمه سلطانی در لشکرکشی‌ها و مسؤول اطلاع‌رسانی در باب فرش‌پوش شدن دیوان‌خانه (آماده شدن برای برگزاری دیوان) بودند،^{۱۵۶} اما شاخص‌ترین مهتران در مهترخانه حضور داشتند و مسؤول نواختن موسیقی درباری و نظامی بودند.^{۱۵۷} شاخه‌ای از این مهتران از نیروهای بینی چری شمرده می‌شدند و مهترخانه‌ای (مرکز موسیقی مهتران) در میان بینی چریان داشتند. وظیفه اصلی این دسته، فقط در زمان جنگ و لشکرکشی به آنها ابلاغ می‌شد و نواختن آنان به منزله شروع جنگ بود.^{۱۵۸} هر اورته بینی چریان یک مهترخانه داشت که زیر نظر «باش مهتر» / «باش مهترآغا» و یا «مهترباشی» فعالیت می‌کرد.^{۱۵۹} برای مهترباشی که سردسته سُرنانوازان، طبل‌زنان و سایر موسیقی‌نوازان بود، وظایف حاشیه‌ای دیگری که نامرتب با آهنگ‌نوازی بود، بیان شده است.^{۱۶۰} در سال ۱۲۴۱ هـ با الغای اوجاق‌بینی چری، مهترخانه آنان نیز برچیده شد و «موزیقه همایون»^{۱۶۱} به شکل مدرن جایگزین آن گردید.^{۱۶۲}

با توجه به مطالب مذکور، نه تنها میان معنای «مهتر» و شغل مهتری ارتباطی وجود ندارد، بلکه وظیفه این منصب کاملاً با معنای آن در زبان فارسی متفاوت است. برای تعریف مهتر بینی چریان می‌توان گفت: مهتران، گروه موسیقی نظامی مستقر در مرکزی به نام مهترخانه بودند که در لشکرکشی‌ها نیز شرکت می‌کردند.

155. Çadır mehterleri

156. Hezarfen, 92; Medhi, 76; 5 numaralı mühimme defteri, 273; Çürük, "Çadır Mehterleri", *DİA*, 8/ 165.

157. Özcan, "Mehter", *DİA*, 28/ 545.

158. Hezarfen, 176; Koçu, 92, 94;

نوی اعلان جنگ با شعر «یک دُر الله یک» (یکی است خدا یکی) نواخته می‌شد.

۱۵۹. شوکت، ۸۳/۱، ۸۷؛ جوادپاشا، ۲۶/۱.

۱۶۰. نک:

Medhi, 56; 7 numaralı mühimme defteri, 1/ 27.

161. Muzıka-i Hümayun

162. Özcan, "Mehter", *DİA*, 28/ 549.

۴.۳. کتخدا^{۱۶۳}

کتخدا شکل ترکی شده «کدخدا» است که از واژه پهلوی *Kata xuatāi*، به معنای صاحب‌خانه، گرفته شده است.^{۱۶۴} برای کدخدا معانی دیگری نظیر فرد معتبر و موقر، مرد متأهل، وکیل امور و پادشاه نیز ذکر شده است.^{۱۶۵} این واژه، در میان ترکان به شکل «کَهِیا» نیز رواج داشته است.^{۱۶۶} با این‌که در تشکیلات حکومتداری عثمانی، کتخداهای متعددی حضور داشتند،^{۱۶۷} لفظ کتخدا در میان عثمانیان هیچ وقت در معانی مذکور به کار نمی‌رفت؛ بلکه به معنای «معاون» بود؛ برای نمونه «کتخدای صدرعالی»، معاون صدراعظم و «کتخدابک»/ «قول‌کتخداسی»، معاون آغای ینی‌چریان بود.^{۱۶۸} البته باید دقت داشت که معاونت هیچ‌گاه در جایگاه جانشینی نبود.

برجسته‌ترین کتخدای عثمانیان، کتخدای حاضر در میان ینی‌چریان بود که قول-کتخداسی، کتخدابک، «اوجاق‌کتخداسی» و یا «ینی‌چری‌کتخداسی» نام داشت.^{۱۶۹} او به عنوان معاون ینی‌چری‌آغاسی، پس از آغا و سگبان‌باشی در رتبه سوم اهمیت قرار داشت و به سبب این‌که به راحتی می‌توانست به تحریک و شورش ینی‌چریان دست یازد، گاهی در قدرت بر آنها برتری می‌یافت؛ از این رو، عزل وی، به آسانی عزل دو مقام بالادست نبود.^{۱۷۰}

163. Kethüda

164. Nyberg, 2/ 116.

۱۶۵. برهان، ۳/ ۱۶۰۴-۱۶۰۵؛ سامی، ۲/ ۱۱۴۵؛ وفیق بک، ۱/ ۹۳.

۱۶۶. وفیق پاشا، ۲/ ۱۰۲۰؛

Pakalın, 2/ 251.

۱۶۷. برای نمونه: کتخدای بوابین، کتخدای صدرعالی، کتخدای ترسانه، کتخدای خزینه، کتخدای بوستانجیان، کتخدای بالطه‌جیان، کتخدای آخور و بسیاری دیگر.

۱۶۸. جوادپاشا، ۱/ ۲۱؛

Pakalın, 2/ Ibid.

۱۶۹. جوادپاشا، همانجا؛

Hezarfen, 77; Pakalın, 2/ 251.

۱۷۰. جوادپاشا، همانجا؛

قول کتخداسی با توجه به این که معاون آغا و یا «وکیل امور»^{۱۷۱} بود، می بایست به تمام اصول و قواعد اوجاق آگاه باشد؛ از این رو، غالباً از میان اوجاق برگزیده می شد.^{۱۷۲} صاحب این مقام براساس قانون از مقام زغرچی باشی بدین جایگاه ارتقا می یافت و در صورت ترفیع، سگبان باشی می شد.^{۱۷۳} نخستین بلوک از آغابلوک های ینی چریان، در اختیار قول کتخداسی بود و اغلب، نسبت به سایر اورته ها، جمعیت بیشتری داشت؛ همین عامل سبب افزایش نفوذ و اقتدار قول کتخداسی می شد.^{۱۷۴} وی علاوه بر این که از اعضای دیوان آغا به شمار می رفت، «دایره» (اداره)ی مخصوص به خود را داشت که در آنجا، در تنظیم امور اوجاق اعمال نظر می کرد.^{۱۷۵} قول کتخداسی، وظایف متعددی برعهده داشت؛ شرکت در توزیع علوفه (مواجب)، نظارت بر انتظام امور اوجاق، تحویل مقامات بلندپایه ینی چری برای اعدام، رسیدگی به امور حجاج و نظارت بر امور سرداران و ینی چریان ایالات از وظایف غیرجنگی او بود.^{۱۷۶} قول کتخداسی تا زمان بایزید دوم (حک ۸۸۶-۹۱۸هـ) الزامی برای شرکت در جنگ ها نداشت، اما از این دوره به بعد، حضور او در جنگ اجباری شد و حتی در سال ۹۴۹هـ در نبرد بودین، قول کتخداسی به سبب تمرد از حضور در جنگ، در آستانه اعدام قرار گرفت.^{۱۷۷} او در محاربه و محاصره، وظیفه چینش ینی چریان و تعیین حدود

Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 195.

171. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ Ibid.

۱۷۲. شوکت، ۵۶/۱.

۱۷۳. سلانیک، ۲۷۵؛ فریدون بیگ، ۵۱۴/۱؛

Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ Ibid.

174. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 196; Pakalın, 2/ 252.

175. Pakalın, 2/ 251.

۱۷۶. وفیق یک، ۱۹۵-۱۹۶؛

Hezarfen, 146, 149; Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 198; 7 numaralı mühimme defteri, 1/ 389.

177. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 196.

استقرار اورته‌ها را بر عهده داشت؛ از همین رو، از «رؤسای ارکان حریبه» به شمار می‌رفت.^{۱۷۸}

قول‌کتخداسی خود نیز معاونی داشت که «کتخدایری»^{۱۷۹} (جانشین کتخدا) نام داشت و وکیل و معاون او محسوب می‌شد. این مقام، از مقامات متوسط‌المرتبه و کاملاً مجزا از قول‌کتخداسی بود و نباید او را با «کتخدایکی» یکی دانست. بیش‌ترین فعالیت کتخدایری در زمان حضور قول‌کتخداسی در نبرد بود، اما با بازگشت قول‌کتخداسی، او برکنار نمی‌شد و به‌عنوان معاونِ معاونِ آغا فعالیت می‌کرد.^{۱۸۰} کتخدایری، علاوه بر این‌که در نبود قول‌کتخداسی، وظایف او را انجام می‌داد، سرکردگی اورته سی‌وسوم ینی‌چریان را که «کتخدایلیر» نام داشت و محافظ ینی‌چری‌آغاسی بود، برعهده داشت.^{۱۸۱} کتخدایری، در صورت ترفیع، به مقام مُحضرباشی/محضرآغا ارتقا می‌یافت^{۱۸۲} و در صورت برکناری قول‌کتخداسی، جایگاه وی نیز دستخوش تغییر می‌شد.^{۱۸۳} قول‌کتخداسی و کتخدایری با الغای ینی‌چریان از میان برداشته شدند.^{۱۸۴}

۵.۳. حربه‌جی

در میان ینی‌چریان، شصت و یکمین اورته از آغابلوک‌ها از آن حربه‌جیان بود.^{۱۸۵} اینان را نباید همانند چرخه‌جی^{۱۸۶} (دسته پیشرو لشکر) که در میان ایرانیان با همان وظیفه،

۱۷۸. جوادپاشا، ۲۱/۱.

179. Kethüda yeri

180. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 211; Pakalın, 2/ 252.

181. Pakalın, 2/ Ibid.

۱۸۲. البته همیشه، این شکل ترفیع رعایت نمی‌شد (Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ 212).

۱۸۳. راشد، ۹۹/۳.

184. Uzunçarşılı, *Kapukulu*, 1/ Ibid.

۱۸۵. جوادپاشا، ۱۵/۱؛ شوکت، ۷۲/۱.

۱۸۶. خواجه سعدالدین افندی، ۲/۲۶۲؛ سلانیکلی، ۱۹۸.

«چرخچی»^{۱۸۷} خوانده می شدند، اشتباه گرفت و حربچی (= مبارز) قلمدادشان کرد. عنوان اینان به سبب حمل زوبین کوچکی به نام «حربه» بدانها داده شده بود.^{۱۸۸} حربه جیان از زیردستان محضر آغا بودند^{۱۸۹} و کارشان انجام ارتباط «حربه» _ که تسمیه حربه جیان از آن نشأت گرفته بود_، با مشاغل قضایی روشن نیست.

۶.۳. سردار

در زبان فارسی سردار به معنای فرمانده کل قشون آمده است^{۱۹۰} که از این معنا می توان به بلندپایگی و اقتدار فراوان این مقام پی برد. در میان عثمانیان، سردار غالباً به صورت «سردارِ اکرم» شناخته می شد که وزیر اعظمی بود که فرماندهی لشکر را بر عهده می گرفت.^{۱۹۱} اگرچه این تعریف از سردار تا حدود زیادی با لقب نظامی مرسوم در ایران هماهنگی دارد، اما در میان ینی چریان، سردار به آن مفهوم رایج در حکومت های ایرانی نبود؛ سردار ینی چری (ینی چری سرداری یا سردار) کسی بود که از جانب ینی چری آغاسی، مأمور انتظام امور ایالات و رتق وفتق امور ینی چریان، عجمی اوغلانها، جبه جیها و توپچیان ایالتی بود.^{۱۹۲} بنابراین، هرگز نمی توان از عنوان «سردار» در میان ینی چریان، مفهوم عالی رتبی برداشت کرد. سرداران ینی چریان با ایفای وظایف جزئی ایالتی، از کم اهمیت ترین نیروهای ینی چریان بودند.

۱۸۷. بسطامی، ۹۵؛ بوداق منشی، ۱۱۸.

۱۸۸. سامی، ۵۴۳/۱؛ وفیق بک، ۲۷۲/۱.

189. Pakalın, 1/ 737.

۱۹۰. نک: دهخدا، ذیل سردار.

191. Pakalın, 3/ 179.

192. Pakalın, 3/ 179, 181.

نتیجه

ینی‌چریان که به عنوان بخشی از قاپی‌قولوها، مؤثرترین نیروی جنگاور عثمانی بودند به زیرمجموعه‌های متعددی داشتند؛ این تعدد زیرمجموعه‌ها و مناصب، سبب پیچیدگی تشکیلات آنان شده بود. در کنار این عامل، نام‌گذاری‌های غیر متعارف و وجوه تسمیه دور از ذهن، بر این پیچیدگی افزوده و سبب شده است که میان بسیاری از اسامی مناصب و مقامات و وظایف آنان در اوجاق ینی‌چری، انطباق و ارتباطی یافت نشود؛ به طوری که با نگاهی به نام‌های مقامات، در درجه اول، نمی‌توان آنان را نیروی جنگاور دانست و در درجه دوم، نمی‌توان به وظایف آن منصب (چه جزئی و چه کلی) پی برد. در میان ینی‌چریان، برخی از نام‌ها، متأثر از آشپزی حاجی بکتاش ولی، نام‌های آشپزخانه‌ای به خود گرفته‌اند. در میان این نام‌ها، دو عنوان پرکاربرد آشچی و چورباجی وجود داشت که مقام نخست، زندانبان و مقام دیگر، مفهوم عام فرمانده را داشت که به هیچ روی، نمی‌توان ارتباطی میان نام و وظایف آنان یافت. اسامی پرکاربرد دیگری که در میان ینی‌چریان به چشم می‌خورد، به اورته سگبانان و به سه گروه زغرچی، صکسونجی و طورنه‌جی مربوط می‌شود که عناوین مقامات شکارگاهی و سگبانی است. الحاق اینان به دسته جنگاور ینی‌چری سبب شد تا به مرور زمان، وظایف شکاری آنان تحت تأثیر وظایف نظامی قرار گیرد و سپس به کلی به فراموشی سپرده شود و از این سه دسته، به جای مفهوم سگبانی، مفهوم جنگاوری برداشت شود. علاوه بر این نام‌ها، برخی دیگر از عناوین مقامات، از زبان‌های عربی و فارسی به میان ترکان و به تبع، به تشکیلات نظامی (شامل ینی‌چریان) راه یافت. ترکان با برداشت نادرست از معانی این نام‌ها، آنها را از لحاظ لفظی و معنایی تغییر دادند؛ در نتیجه در میان ینی‌چریان، برای دارندگان این عناوین وظایفی تعریف شد که ارتباطی به وجه تسمیه آنان نداشت. به سبب این سه عامل، میان بسیاری از نام‌های مناصب و مقامات ینی‌چریان و وظایف آنان نمی‌توان ارتباطی یافت و نام‌های آنها، هرگز بیانگر وظایف آنان نبوده است.

کتابشناسی

- بسطامی، محمد طاهر، فتوحات فریدونیه، تصحیح سعید میر محمدصادق و محمدنادر نصیر مقدم، تهران، نشر نقطه، ۱۳۸۰ ش.
- بوداق منشی قزوینی، جواهر الاخبار، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۸ ش.
- جوادی پاشا، احمد، تاریخ عسکری عثمانی، استانبول، قرق انبار مطبوعه سی، ۱۲۹۹ هـ.
- حضرتی، حسن و طاهر بابایی، «تحولات سگبانی در دیوانسالاری عثمانی»، نیمسالنامه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ش ۱۴، ۱۳۹۰ ش.
- خواججه سعدالدین افندی، محمد، تاج التواریخ، طبعخانه عامره، ۱۲۸۰ هـ.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
- راشد، محمد، تاریخ راشد، قسطنطنیه، ۱۱۵۳ هـ.
- رفعت، محمد، مرآت اللغات، استانبول، مکتب صنایع، ۱۲۹۳ هـ.
- سامی، شمس الدین، قاموس ترکی، چاپ احمد جودت، مطبوعه اقدام، ۱۳۷۱ هـ.
- سالانیکلی، مصطفی افندی، تاریخ سالانیکلی، استانبول، مطبوعه عامره، ۱۲۸۱ هـ.
- شوکت، محمود، عثمانلی تشکیلات و قیافت عسکریه سی، مطبوعه مکتب حربیه، ۱۳۲۵ هـ.
- فریدون بک، احمد توقیعی، منشآت السلاطین، ۱۲۷۴ هـ.
- موسوی، جمال، طاهر بابایی، «مطالعه تطبیقی غلامداری در تشکیلات نظامی عثمانی و صفوی»، نیمسال نامه مطالعات تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.
- نعیما، مصطفی، تاریخ نعیمما (روضه الحسین فی خلاصة اخبار الخاقین)، ۱۲۸۱ هـ.
- نوری پاشا، مصطفی، نتائج الوقوعات، چاپ محمد غالب، استانبول، اخوت مطبوعه سی، ۱۳۲۷ هـ.
- وفیق بک، عبدالرحمن، تکالیف قواعدی، استانبول، مطبوعه قدر، ۱۳۲۸ هـ.
- وفیق پاشا، احمد، لهجه عثمانی، استانبول، مطبوعه عامره، ۱۲۹۳ هـ.
- Ahiskalı, Recep, "Muhzır", Vol.31, İstanbul, Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (DİA), Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, 2006.
- Beşinci (5) Numaralı Mühimme Defteri (973/ 1565-1566) <Özet ve İndeks>, (Dîvân- 1 Hümâyûn Sicilleri Dizisi: II), Başbakanlık devlet arşivleri genel müdürlüğü, yy nu: 21, Ankara, 1994.

- Canatar, Mehmet, “Kethüda”, Vol.25, İstanbul, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (DİA)*, Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, 2002.
- Çürük, Cenab, “Çadır Mehterleri”, Vol.8, İstanbul, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (DİA)*, Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, 1993.
- Göksel, Sinan Can, *Osmanlı Askeri Düzeni ve Yeniçeriler*, Yüksek lisans tezi, Ankara Üniversitesi, Ankara, 2009.
- Güven, Özbay, Hergüner, Gülten, “*Türk Kültüründe Avcılığın Temel Dayanakları*”, PAÜ, Eğitim Fak. Derg., no.5, 1999.
- Halaçoğlu, Yusuf, *XIV-XVII. Yüzyıllarda Osmanlılarda Devlet Teşkilâtı ve Sosyal Yapı*, Ankara, Türk Tarih Kurumu Yayınları, 1991.
- Hezarfen, Hüseyin Efendi, *Telhisül-beyan fi Kavanin-i Al-i Osman*, Haz. Sevim İlgürel, Ankara, Türk Tarih Kurumu, 1998.
- İnalcık, Halil, *Kuruluş Dönemi Osmanlı Sultanları (1302-1481)*, İstanbul, İSAM, 2010.
- İsazade, *İsazade Tarihi*, Haz. Ziya Yılmaz, İstanbul, İstanbul Fetih cemiyeti, 1996.
- Karaçelebizade, Abdülaziz efendi, *Zafername (Tarihçe-i feth-i Revan ve Bağdad)*, Haz. Ömer Kucak, Yüksek lisans tezi, Afyon Kocatepe Üniversitesi, Afyonkarahisar, 2007.
- Koçu, Reşad Ekrem, *Yeniçeriler*, İstanbul, doğan kitabçılık, 2004.
- Medhi, Mehmet Esad, *Sadaret Teşrifat Defteri*, Haz. Üzeyr Yıldırım, İstanbul, T.C. Kültür ve Turizm Bakanlığı Kütüphaneler ve Yayınlar Genel Müdürlüğü, 2007.
- Nyberg, Henrik Samuel, *A Manual of Pahlavi*, Wiesbaden, Otto Harrassowitz, 1974.
- Özcan, Abdülkadir, “Çorbacı”, vol.8, İstanbul, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi(DİA)*, Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, 1993.
- Idem, “Sekban”, Vol.36, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (DİA)*, İstanbul, Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, 2009.
- Idem, “Haseki”, Vol.16, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi (DİA)*, İstanbul, Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, 1997.

- Idem, “Turnacıbaşı”, Vol.41, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi (DİA)*, İstanbul, Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, 2012.
- Idem, “Zağarcıbaşı”, Vol.44, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi (DİA)*, İstanbul, Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, 2013.
- Özcan, Nuri, “Mehter”, Vol.28, *Türkiye Diyanet Vakfı İslam Ansiklopedisi (DİA)*, İstanbul, Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, 2003.
- Pakalın, Mehmet Zeki, *Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri Sözlüğü*, İstanbul, Milli eğitim basımevi, 1971.
- Şemdanizade, Fındıklılı Süleyman Efendi, *Müri üt-tevarih*, Haz. Münir Aktepe, İstanbul, Edebiyat Fakültesi Mabaası, 1976.
- Silahdar Fındıklılı, Mehmet Ağa, *Nusretname*, Haz. İsmet Parmaksızoğlu, İstanbul, Milli Eğitim basımevi, 1969.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı, *Osmanlı Devleti Taşkilatından Kapukulu Ocakları*, Ankara, Türk Tarih Kurumu, 1988.
- Idem, İsmail Hakkı, *Osmanlı Devletinin Merkez ve Bahriye Teşkilatı*, Ankara, Türk Tarih Kurumu, 1988.
- Üçüncü (3) Numaralı Mühimme Defteri (966-968/1558–1560)*, (Dîvân- ı Hümâyûn Sicilleri Dizisi: I), Başbakanlık devlet arşivleri genel müdürlüğü, yy nu: 12, Ankara, 1993.
- Yedinci (7) Numaralı Mühimme Defteri (975-976 / 1567–1569)* <Özet-Transkripsiyon - İndeks>, c I ve II, (Dîvân- ı Hümâyûn Sicilleri Dizisi : V), Başbakanlık devlet arşivleri genel müdürlüğü, yy nu: 37, Ankara, 1998 ve 1999.